



Shiraz University
RiCeST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 17, Issue 2, Summer 2025

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2023.48363.5008>



Research Article

Feasibility Study and Effect of Legal System Engineering from a Private Law Perspective

Mohammad Taheri¹, Abbas Karimi^{2*}, Bakhtyar Abaslo³

1. Department of Private Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Department of Private Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Article history:

Received: 19-09-2023

Accepted: 24-11-2023

Abstract

Introduction

Lawyers have neglected to describe and analyze the influence of social phenomena and the legal effects of juridical incidents. They have not studied methods for calculating and evaluating the effects of legislative, administrative, and judicial rulings, nor have they paid sufficient attention to developing the necessary tools to influence the social sphere. Instead, legal scholars continue to focus on traditional rules and comparative legal systems, striving to advance legal frameworks. However, public satisfaction with the legal system and its efficacy has declined, prompting economists to employ economic analysis to assess and reform legal systems. Meanwhile, social engineering has emerged, advocating utopian ideals and competing with legal science.

Additionally, the current legal system faces numerous challenges, including:

- Rising litigation rates, procedural delays, and psychological burdens on parties;

Please cite this article as:

Taheri, M., Karimi, A., Abaslo, B (2025). Feasibility Study and Effect of Legal System Engineering from a Private Law Perspective. *Journal of Legal Studies*, 17(2), 1-36.
<https://doi: 10.22099/JLS.2023.48363.5008>.

* Corresponding author:

E-mail address: abkarimi@ut.ac.ir

- Escalating sudden violence and the need to enhance public satisfaction with justice distribution;
- Overcriminalization and prison overcrowding;
- High litigation costs and the limited effectiveness of government-provided legal aid;
- Declining reliance on attorneys and reduced interest in notarization;
- Failure to address unfair legal victories;
- Neglect of the relationship between the legal system and norm reinforcement;
- The weakening of family institutions;
- The expanding scope and cost of government responsibilities.

Given these issues, this research aims to develop a general theory and practical tools to advance private rights and reduce reliance on criminal law. By examining the natural processes of social phenomena—where each layer is governed by distinct dimensions and legal rules—this study seeks to answer the following key questions:

1. How can fundamental legal disputes, such as the substance of natural proceedings, be analyzed using an engineering approach?
2. How can insights from psychology, economics, information technology, cultural studies, social engineering, and power strategies be synthesized into a legal theory?
3. How can this theory help perceive the geometry of social conflicts (the "game environment")?
4. How can a mathematical function be formulated to calculate justice status and engineer the effects of legislative, administrative, and judicial decisions to address the aforementioned issues?

Methods

The hypothesis posits that by analyzing and describing various forms of social conflicts using interdisciplinary findings, an engineering approach can be applied to assess social disputes. By recognizing different conflict patterns and enhancing legal system functions, new regulatory tools can be developed to engineer justice status. The proposed solutions are examined through descriptive, analytical, comparative, and innovative engineering research.

Findings

The study reveals that culture emerges from the interplay between philosophy and civilization, forming the foundation of a society's legal system. Furthermore, the legal system's functions reinforce social norms. In

the Islamic legal framework, the system's purpose is to distribute legislative justice in accordance with Sharia objectives, which serve as its foundational principles. According to Article 156 of the Constitution, if rights derived from Islamic law are violated or denied, the legal system must redistribute justice. Therefore, drawing on expert opinions and scientific findings, a multi-objective function—applicable to AI—can be formulated to engineer legislation, administrative actions, and judicial interpretations. Additionally, based on game theory and behavioral economic analysis, decision-making within the "game environment" can be systematically engineered.

Results

The proposed theory of legal system engineering, grounded in private law and varying interpretations of crime within Islamic legal philosophy, is presented. This theory can be applied to engineer behaviors in preemptive, interventionary, and post-conflict scenarios to uphold justice.

Keywords: private law, engineering, Sharia objectives, legal system, justice.



مقاله پژوهشی

امکان سنجی و آثار مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی
محمد طاهری^۱، عباس کریمی^{۲*}، بختیار عباسلو^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: حقوقدانان از استمرار بخشیدن به توصیف و تحلیل تأثیر و تأثر پدیده‌های اجتماعی و آثار حقوقی وقایع حقوقی در معنای اعم غافل شده‌اند و هیچ‌گاه به شیوه محاسبه و ارزیابی آثار ایقاع‌های تقنینی، اداری و قضایی و تمهید ابزارهای لازم برای تأثیرگذاری بر فضای اجتماعی، توجه نکرده‌اند. حال این که در چنین شرایطی که حقوقدانان همچنان به مطالعه قواعد کهن و حتی مطالعه سایر نظام‌های حقوقی مشغول هستند و تلاش برای حفظ پیشرو بودن نظام‌های حقوقی را دارند، احساس رضایت‌مندی از عالم حقوق و کارایی آن، بیش‌ازپیش کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ به‌طوری‌که علمای اقتصاد نیز برای ارزیابی و تحول‌آفرینی، روی به تحلیل اقتصادی حقوق آورده‌اند. از سوی دیگر مهندسی اجتماعی نیز متولد و آرمان اتوپیا (آرمان‌شهر) را وعده می‌دهد و به رقابت با حقوق برخاسته است.

وانگهی در کنار افزایش روزافزون شمار دعاوی در مراجع قضایی، اطلاع دادرسی‌ها و نیاز به آمارگیری از توزیع عدالت به جای آمارگیری از شمار پرونده‌ها، جمعیت بالای محکومان کیفری و

استناد به این مقاله:

طاهری، محمد؛ کریمی، عباس و عباسلو، بختیار (۱۴۰۴). امکان‌سنجی و آثار مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی، مجله مطالعات حقوقی. ۱۷. (۲). ۳۶-۱.

E-mail address: abkarimi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول:

زندانیان، هزینه‌های بالای دادرسی، محدود بودن کارایی نهاد اعسار و وکالت معاضدتی، کاهش مراجعه به وکیل دادگستری، کاهش تنظیم سند رسمی، گسسته شدن ارتباط دوسویه میان نظام حقوقی و تقویت هنجارها، تضعیف شدن نهاد خانواده و افزوده شدن بی‌دربی بر مسئولیت‌ها و هزینه‌های دولت از اهم مسائل پیش‌روی نظام حقوقی بودند. بدین روی، تمهید نظریه عمومی و ابزار برای حل مسائل پیش‌روی نظام حقوقی به‌عنوان یک راه‌حل جامع و مانع و تلاش برای توسعه حقوق خصوصی و مضیق‌تر کردن قلمروی حقوق جزا، از مهم‌ترین اهداف این تحقیق بودند؛ بدین ترتیب برآنیم، با توجه به این که پدیده‌های اجتماعی ابعاد مختلفی دارند و هر لایه‌ای از آن‌ها در عین حال موضوع یکی از علوم منطبق از فلسفه و احاطه شده توسط گروهی از قواعد حقوقی هستند، بدین مسئله بپردازیم که برای رصد و صیانت از وجود روال طبیعی در آن‌ها چگونه می‌توانیم به شیوه مهندسی برای تبیین مفاهیم بنیادین حقوقی چون ماهیت خود روال طبیعی (عدالت) ورود کرده و بر پایه مفاهیم حقوقی و مفاهیم حاصل از علوم دیگر اعم از روان‌شناسی، اقتصاد، اطلاعات و فناوری اطلاعات، مطالعات فرهنگی، مهندسی اجتماعی و استراتژی‌های قدرت و جنگ نرم اجتماعی، نظریه‌ای عمومی برای تبیین و صیانت از روال طبیعی در پدیده‌های اجتماعی ارائه کنیم و دریابیم که چگونه از علم حاصل از این نظریه می‌توان برای درک هندسه فضای پیرامون روابط و موضوع اختلاف و فراهم کردن معادله محاسبه وضعیت توزیع روال طبیعی (عدالت) و مهندسی آثار ایقاع‌های تقنینی، قضایی و اداری به‌منظور مواجهه با مسائل مزبور کمک گرفت؟

روش‌ها: فرضیه این بود که با تحلیل و توصیف صورت‌های مختلف منازعات اجتماعی به‌وسیله علوم مرتبط می‌توان آن‌ها را به شیوه مهندسی، تحلیل کرد و با شناخت صورت‌های مختلف منازعات اجتماعی و تکمیل نظام دادرسی و تمهید ابزارهای جدید برای تنظیم‌گری می‌توان گستره عدالت را مهندسی کرد. پس به شیوه توصیفی، تحلیلی، تطبیقی و شیوه ابتکاری مهندسی، راه‌حل، مورد پژوهش بنیادین قرار گرفت.

یافته‌ها: حکایت از این دارند از آنجایی که فرهنگ از تضارب فلسفه و تمدن، شکل گرفته و بنیان‌ها نظام حقوقی در جامعه را تعیین می‌کند، اعمال نظام حقوقی نیز با تقویت هنجارهای فرهنگی، همبستگی دارد. در این میان نظام حقوقی اسلامی، بر این فلسفه استوار است که نصیب عادلانه تشریع شده در خصوص مقاصد شریعت را که همان بنیان‌های کلی نظام حقوقی اسلامی است، به ازای هر شخص بر قرار نگه دارد و مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی در صورت تضییع و یا انکار حق بر آمده از عدالت موصوف، به باز توزیع آن بپردازد. در راستای حل مسائل پیش‌روی نظام حقوقی، همان‌گونه که رجوع به کارشناسی موجه است، بر پایه فلسفه حقوق اسلامی تبیین شده، از یافته‌های دیگر علوم برای

طراحی نظریه و معادله ریاضی عدالت، به‌صورت یک تابع چند هدفه که امکان بارگذاری بر روی هوش مصنوعی را دارد، به‌منظور تمهید معیار مهندسی تقنین، مقررات‌گذاری و تفسیر قوانین و مقررات، بهره‌گرفته و تبیین شد که بر مبنای علمی چون نظریه بازی‌ها و تحلیل اقتصادی با رویکرد رفتاری، می‌توان انتخاب‌ها را نیز در هندسه دعاوی (محیط بازی) مهندسی کرد.

نتیجه‌گیری: بنابراین اندیشه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی بر حسب تبیین دگرگونه از مفهوم جرم با ابزارهای خودش، به‌منظور صیانت و توزیع عدالت ارائه شد و می‌تواند به مهندسی پیشینی، میان جبهه‌ای و پسینی رفتارها و پیامدهای آن‌ها نیز بپردازد.

واژگان کلیدی: حقوق خصوصی، مهندسی، مقاصد شریعت، نظام حقوقی، عدالت.

سرآغاز

حقوق دانان از توصیف و تحلیل تأثیر و تأثر پدیده‌های اجتماعی و آثار حقوقی وقایع حقوقی در معنای اعم غافل شده‌اند و مطالعات را در حد اثر اکراه در عقد یا جرم یا اثر ارباب در وقوع جنایت باقی گذاشته‌اند و هیچ‌گاه به شیوه محاسبه و ارزیابی آثار ایقاع‌های تقنینی، اداری و قضایی و تمهید ابزارهای لازم برای تأثیرگذاری بر فضای اجتماعی اطراف ایقاعات مورد اشاره، توجه نکرده‌اند. حال این که در چنین شرایطی که حقوق دانان همچنان به مطالعه قواعد کهن و حتی مطالعه سایر نظام‌های حقوقی مشغول هستند، احساس رضایت‌مندی از عالم حقوق و کارایی آن، بیش از پیش کم‌رنگ شده است و انسان‌ها علم حقوق را از درک جامع مسائل خود فارغ می‌پندارند، به‌طوری که علمای اقتصاد نیز برای ارزیابی و تحول‌آفرینی، به تحلیل اقتصادی حقوق روی آورده‌اند، از سوی دیگر، مهندسی اجتماعی متولد شده و آرمان اتوپیا را وعده می‌دهد و به رقابت با حقوق برخاسته است و روان‌شناسان در حالی ملجأ و پناه مردم از فشارهای روانی دعاوی شده‌اند که طرح دعاوی از نظر حقوقی، خود ملجأ و وسیله مرسوم تظلم خواهی هستند؛ بسیاری از اختلافات نیز، چاره نمی‌شود و به شکل دیگری و اغلب خودسرانه و بدون هم‌اندیشی با وکیل به دادرسی سپرده می‌شوند و بر آمار پرونده‌های قضایی می‌افزایند.

وانگهی در کنار افزایش روزافزون شمار دعاوی در مراجع قضایی، اطلاع دادرسی‌ها، فشارهای روانی ناشی از طبیعت دادرسی‌ها، بروز خشونت‌های ناگهانی، نیاز به افزایش رضایت‌مندی از دادرسی‌ها و آمارگیری از میزان توزیع عدالت به جای آمارگیری از ورودی و خروجی پرونده‌های دعاوی، روند افزایش قوانین کیفری و نیاز به کاهش تعداد محکومان کیفری و زندانیان مربوطه، هزینه‌های بالای دادرسی، محدود بودن کارایی نهاد اعسار و محدود بودن توان نهاد وکالت معاضدت، کاهش رغبت مراجعه به وکیل دادگستری، کاهش رغبت به تسجیل معاملات با تنظیم سند رسمی، پیچیده شدن رو به ازدیاد زندگی اجتماعی و لزوم پیشگیری از پیروز شدن بی‌حق در دعا و لزوم

حمایت از ضعیف‌ذی‌حق در برابر اشخاص مقتدر بی‌حق، گسسته شدن ارتباط دو سویه و همبستگی مثبت میان نظام حقوقی و تقویت هنجارها، تضعیف شدن نهاد خانواده و افزوده شدن پی‌درپی بر مسئولیت‌ها و هزینه‌های دولت در معنای اعم کلمه، از جمله مسائلی پیش روی نظام حقوقی کنونی هستند؛ بدین‌روی برآنیم، با توجه به این که پدیده‌های اجتماعی ابعاد مختلفی دارند و هر لایه‌ای از آن‌ها در عین حال موضوع یکی از علوم منشق از فلسفه هستند و با قواعد حقوقی احاطه شده‌اند، به این مسئله پرداخته شود که برای صیانت از وجود روال طبیعی در آن‌ها چگونه می‌توان به شیوه مهندسی برای تبیین مفاهیم بنیادین حقوقی چون ماهیت خود روال طبیعی (عدالت) وارد شد و بر پایه مفاهیم حقوقی و مفاهیم حاصل از علوم دیگر اعم از روان‌شناسی، اقتصاد، اطلاعات و فناوری اطلاعات، مطالعات فرهنگی، مهندسی اجتماعی و استراتژی‌های قدرت و جنگ نرم اجتماعی، نظریه‌ای عمومی برای تبیین و صیانت از روال طبیعی در پدیده‌های اجتماعی ارائه داد و دریافت که چگونه از علم حاصل از این نظریه می‌توان برای درک هندسه فضای پیرامون روابط و موضوع اختلاف و فراهم کردن معادله محاسبه وضعیت توزیع روال طبیعی (عدالت) و مهندسی آثار ایقاع‌های تقنینی، قضایی و اداری برای مواجهه با مسائل مزبور کمک گرفت؟

بدین‌روی، برای طراحی نظریه، به ترتیب با دو عنوان «چیستی نظام حقوقی و امکان‌سنجی تأثیرپذیری آن از تطور مفهوم مهندسی» و «مکانیسم نظام حقوقی و سنجش محقق کردن توأم امنیت و عدالت» در این نوشتار بحث خواهد شد، اما تمهید ابزارهای متأثر کردن درباره روابط و موضوع اختلاف به مثابه ابرازهای راه‌حل، از ظرفیت این نوشته خارج است و به آن در نوشتار دیگری پرداخته می‌شود.

۱. چیستی نظام حقوقی و امکان‌سنجی تأثیرپذیری آن از تطور مفهوم مهندسی

در این مبحث، ضمن واکاوی ماهیت حقوق و اندیشه‌های عدالت و ارتباط آنها با هم و نیز ارتباط آنها با نظام حقوقی و پس از ارائه فلسفه حقوقی-اسلامی، در بند نخست، به

اندیشه‌های بنیادین راجع به جوهره و مبانی نظام حقوقی توجه می‌شود و سپس تطور مفهوم مهندسی به موازات تحول فلسفه برای امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی از نظر خواهد گذشت و سرانجام در بند دوم، به طراحی اندیشه مهندسی نظام حقوقی، بر پایه فلسفه حقوقی-اسلامی ارائه‌شده، پرداخته خواهد شد.

۱-۱. مبانی و جوهره و امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی

در این بند با دو تقسیم فرعی، به چستی عدالت، حقوق، نظام حقوقی و ارتباط آنها با یکدیگر و نقش فلسفه در این باره پرداخته شده است تا سپس بتوان به کمک دیگر علوم تجربی و عقلی مرتبط، مبتنی بر فلسفه حقوقی-اسلامی ارائه‌شده، جوهره نظام حقوقی به روش هندسی تحلیل و به امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی برای توزیع آن، پرداخته شود.

۱-۱-۱. نقش فلسفه فکری حاکم بر جامعه بر تفسیر جوهره نظام‌های حقوقی

می‌دانیم که فلسفه به معنای خردگرایی است (Arjamandsiahpoush, 2010: 12) و همه علوم به فلسفه و نیز پاره‌ای از نتایج علوم دیگر در پیشبرد خویش، محتاج هستند؛ خاستگاه فلسفه شرق است و ۳۵۰ سال پیش فلسفه اسلامی، با تلاش‌های ملاصدرا معروف به صدرالمتهالین که منطق ریاضی را به کاربرست، به نقطه استوار خویش رسید (Tabatabai and Motahari, no date: 11-12).

او همه موجودات را تجلی وجود باری تعالی و در این میان، انسان را تنها موجود دارای مراتب دانست (Rezaei and Shahnazari, 2107: 6,12). این در حالی است که فلسفه غرب بعد از یک دوران خاموشی هزارساله با ظهور فلاسفه عقل‌گرایی چون دکارت و اسپینوزا در اروپای قاره‌ای که به منطق ریاضی متکی بودند و با روی کار آمدن تجربه‌گرایانی چون جان لاک، بارکلی و دیوید هیوم در بریتانیا و سپس با انقلاب کوپرنیکی امانوئل کانت و نظریه دیالکتیکی هگل و اتکای او به تاریخ در فلسفه و

همچنین مکتب فایده‌گرایی جرمی بنتام انگلیسی ادامه یافت و بعد از آن، از یک‌سو با اندیشه فلسفی کارل مارکس رنگ سیاسی گرفت (Cohen, 2019: 27, 35-54, 96) و از سوی دیگر، با اندیشه‌های زیگموند فروید، روان‌شناسی متحول شد و سرانجام فلسفه غرب با تفکر اومانیستی ژان پل سارتر بیش از پیش به ورطه انحطاط و سقوط کشیده شد. این در حالی است که می‌دانیم بنیان‌هایی که نظام حقوقی را احاطه کرده‌اند در سطح فلسفه تعریف می‌شوند، هابز این بنیان‌ها را پنج مطلوب بنیادین (Hikmatnia, 2014: 7, 10, 32) در آخرین تحول مهم فلسفی غرب، جان رالز، قرارداد اجتماعی را منحصراً مطلوب بنیادین دانست (Nemati, 2017:107) اما از منظر فقه امامیه از مال، نسل، نفس، عقل، دین و عرض به‌عنوان مقاصد شریعت بحث می‌شود (Hikmatnia, 2014: 17). بدین‌روی تعارض عقیده مشهود است و چون اندیشه‌ها [فلسفه]، رکن معنوی و تمدن، رکن مادی «فرهنگ» است تضارب این دو، هویت و به تعبیر روان‌شناسان شخصیت اعضای جامعه را می‌سازد (Velayati, 2014: 19). به نظر، فرهنگ با نظام حقوقی همبستگی دارد و باید در مطالعات تطبیقی از امکان تزامن روال ناشی از فلسفه فکری بیگانه، آگاه بود.

با وجود این، برای جامعه ایرانی که از منظر جامعه‌شناسی، از سنخ کژمردن است و در آن وجه غالب روابط، مدنی نیست (Jalaipour, 2010: 27, 33-34)، برای بهبود وضعیت دادرسی، که ضمانت اجرای صلاحیت دولت در معنای عام آن است، بدون آسیب‌شناسی چندوجهی، تنها برخی به لزوم دو مرحله‌ای شدن نظام دادرسی مدنی ایران مانند حقوق فرانسه و انگلیس نظر داده‌اند (Mohseni, 2007: 92, 93, 96, 112) که نظام کشف دلیل این نوع نظام دادرسی مدنی دو مرحله‌ای، در آمریکا نیز متأثر از حقوق انگلیس ایجاد شده است (Safari, 2021: 175) و برخی دیگر، از ایجاد نظام آماری هماهنگ با در نظر گرفتن هزینه‌های پولی و غیر پولی [فشارهای روانی و فرصت‌های از دسته رفته] سخن به میان آورده‌اند (Shahbazinia et al., 2019: 477). و برخی تحقق عدالت را وابسته به مهارت نسبت به زمان و مکان استناد به ادله و غلبه بر محدودیت

صلاحیت محاکم معرفی کرده‌اند (Shams, 2015: 211, 363) اما به نظر برای رسیدن به نظریه جامع باید بنیان‌های نظام حقوقی و فلسفه وجودی آن را تبیین کرد. پس در ضمن پرهیز از آثار اندیشه فلاسفه غربی، باید آیه ۱ سوره علق که نخستین سوره و آیه‌ای بود که بر پیامبر اکرم نازل شد و آیات شریفه ۱۸ سوره آل عمران، ۴۷ سوره انبیاء، ۳۶ سوره یس، آیه ۵۴ سوره انعام و ۳۵ سوره نور را که از خلقت همه موجودات به اقتضای رحمت خداوند و از عدالت به مثابه میزان نظام صدور این رحمت، خبر می‌دهند را شروع اندیشه حقوقی-اسلامی، دانست. مقاصد شریعت که در فقه امامیه از آن بحث شده است به نظر قالب کلی تمام صور رحمت خداوند و بنیان‌های کلی نظام حقوقی هستند و فلسفه وجودی نظام حقوقی صیانت از عدالت تشریعی، به‌عنوان روال طبیعی (میزان) در بهره‌گیری از این بنیان‌هاست.

از نظر فلسفی، مرتبه عدالت پیش از حق (Karimi et al., 2017: 269) امری فرازمانی و مکانی، چند ساحتی و توزیعی از منظر فیلسوفان مسلمان (Namazi and Lashkari, 2012: 112-114) و مطابق با حکمت ۴۳۷ نهج‌البلاغه «روال طبیعی امور» معرفی شده است. بدین ترتیب، صور این عدالت توزیعی، اصل استحقاق و در مواقع ضرورت، جایگزین شدن اصل نیاز درخصوص حسب مورد، مواهب طبیعی و میراث و در سایر موارد، معامله به مثل متوازن است. بدین روی، برخلاف آنکه جرم‌شناسان، حتی درباره تعریف جرم اتفاق نظر ندارند (Abdul Fattah and Rahiminejad, 2002: 139) به نظر مستفاد از آیه ۲ سوره شریفه «ص»، مقابله به مثل با غرور و سرکشی انسان، که قواعد مدنی ضمانت اجرای کارآمد برای درهم شکستن آن نیست، صورت عدالت توزیعی است.

این پیوندی را که فلسفه میان علوم مختلف، به لحاظ چند ساحتی بودن مبنای حق (عدالت)، برقرار می‌کند، راسکو پاند، رئیس اسبق دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد، نیز مورد توجه قرار داده است (McManaman, 1958: 1) اما به نظر پارادایم حقوق تحقیقی بود که آن را به صورت مردود به پراگماتیسم حقوقی و سپس واقع‌گرایی، فروکاست. بدین صورت، با لحاظ مبانی فلسفه و علوم متعدد و از جمله روان‌شناسی که از فلسفه مشتق

شده و استعدادی که درخصوص تبیین مبنای انتخاب و چگونگی ادراک آدمی و علت بروز خشونت‌های ناگهانی دارد (Abdul Maliki, 2105: 21, 24, 25, 28, 152- 153, 214,) به نظر می‌رسد که دادرسی را باید پدیده‌ای اجتماعی دانست که جبهه تقابل اشخاصی است که تعارض منافع دارند (برای توضیح-توزیع عدالت) و نبرد اراده‌های ایشان، با اضلاع اطلاعاتی، اقتصادی، روان‌تنی، مادی و حقوقی، برای تسخیر اذهان اشخاص انشاءکننده اعمال قضایی و اداری برای حاکم شدن در دعوا است و بدین روی دعوا را نیز باید تعارض اراده‌ها بر اثر تعارض منافع برای صدور دادنامه مطابق با باور طرف پیروز دانست؛ پس چگونه می‌توان نظریه‌ای را برای کاهش میل اشخاص به چنین تعارضی برای صیانت از روال طبیعی امور (عدالت) طراحی کرد؟ این پرسشی است که پاسخ آن در قسمت بعدی، پی گرفته خواهد شد.

۱-۱-۲. تطور مهندسی به موازات تحول فلسفه و امکان‌سنجی مهندسی نظام حقوقی

مهندسی که استفاده خلاقانه و کاربردی از علم و مرتبط با فرهنگ است (Farshad,1983: 15,16) پس از نوزایی علمی در علوم انسانی نیز مورد توجه قرار گرفته و به تأسیس جامعه‌شناسی و سپس در سال ۱۹۰۹ میلادی طبق نظریه ویلیام تولمان به شکل‌گیری مهندسی اجتماعی، منجر شده است (Taliban,2018: 9, 30, 33). مهندسی اجتماعی را نیز به نوبه خود در حقوق، راسکو پاند، به‌عنوان فرایند ایجاد سازگاری بین تعارض‌ها برای تأمین بیشترین منافع با کمترین اتلاف و اصطکاک، مورد توجه قرار داده است. (McManaman, 1958: 45) برخی دیگر نیز آن را از منظر حقوقی، منتج به مهندسی فرهنگی قلمداد کرده‌اند (Matnuh, 2017: 120). منتها بنا بر منابع علمی، پس از بحران جامعه‌شناسی، برخی از احتیاج به جعبه نظریه‌ها برای اعمال مهندسی اجتماعی سخن گفته‌اند و اعتقاد داشته‌اند که «عدالت» همان جعبه تئوریک مورد نیاز است (Taliban,2018: 40,57, 59). اما به نظر می‌رسد، جعبه تئوریک مهندسی در اجتماع، حقوق است و اندیشه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی که از فلسفه و

علوم مرتبط برای همسو کردن وجوه مختلف نظام حقوقی کمک می‌گیرد و با تمهید و استفاده از ابزارها برای برطرف کردن یا دست‌کم کمتر کردن مشکلات اجتماعی، برای صیانت از روال طبیعی (عدالت)، برمی‌خیزد را باید تفکر مهندسی در حقوق دانست.

بر این اساس (صیانت نظام حقوقی از عدالت)، مواجهه دادخواهی را با قضاوت در ماهیت که مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی وسیله معمول بازتوزیع عدالت است، باید مهندسی و به طریق اولی احتمال وقوع آن را پیش‌بینی‌پذیر کرد؛ زیرا به نظر از «قرار» فصل خصومت برآمده و بازتوزیع عدالت انتظار نمی‌رود. بدین منظور باید از قاعده تعمیم اصل اساسی شمارش $n_1, n_2, \dots, n_r$ بهره بگیریم (Ross, 2006: 2). پس چون می‌دانیم مجموعه شرایطی که ضمانت اجرای دادخواست دارند دوازده مورد (Shams, 2016: 23-25, 27, 30) و برای هریک از شرایط دو حالت وجود یا نبود را می‌توان در نظر گرفت، می‌توانیم احتمال به جریان افتادن دادخواست را محاسبه کنیم؛ البته شرایط ارشادی ناشی از به کار بستن سامانه‌های رایانه‌ای حسب اعمال تبصره ۲ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، تحقق تمام شرایط برای ارسال دادخواست را، جزء تعیین بها و محاسبه و پرداخت صحیح هزینه دادرسی دعاوی مالی را که به مهارت وابسته هست، حتمی می‌کند، پس می‌توان برای شرایط دیگر یک حالت یعنی حالت وجود داشتن را در نظر گرفت. قابل توجه است که در دعاوی غیرمالی این دو استثنا از شرایط ارشادی نیز مطرح نمی‌شود و حتی پاره‌ای از دعاوی، منوط به رعایت شرایط شکلی دادخواست نیستند.

با وجود این، شرایط عمومی دعوا نیز حتی در امور حسبی با توجه به مواد ۱ و ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، جزء در برخی موارد استثنایی، به نظر در همه امور باید برقرار باشد تا درباره ماهیت به قضاوت بپردازد، منتها، ایرادهای دعوا، مجموعاً سیزده مورد و در چهار دسته، گنجانده شده‌اند (Shams, 2015: 427-456)؛ از جمله این که گاه به علت وجود قانونی، ماهوی یا شکلی، صدور قرار عدم استماع دعوا، چون مانعی محقق می‌شود (Shams, 2016: 242) چون چهار

$$n_1 \times n_2 \times n_3 \times n_4 \times n_5 \times n_6 \times n_7 \times n_8 \times n_9 \times n_{10} \times n_{11} \times n_{12} =$$

احتمال به جریان افتادن دادخواست دعوای مالی:

$$P(A) = \frac{N(A)}{N(S)} = \frac{1}{4096}$$

احتمال به جریان افتادن دادخواست دعوای مالی با بهره‌گیری از رفتار ارشادی:

$$2 \times 2 \times 1 \times 1 \times 1 \times 1 \times 1 \times 1 \times 1 \times 1 \times 1 = 4$$

$$P(A) = \frac{N(A)}{N(S)} = \frac{1}{4} \text{ یا } 25\%$$

اما بنا بر این روش، احتمال به جریان افتادن دعوای غیرمالی: ۵۰٪ و احتمال به جریان

افتادن دعوایی که منوط به رعایت تشریفات شکلی دادخواست نیست، ۱۰۰٪ است.

احتمال رعایت ۴ شرط دعوای شرط متناظر در دادخواست:

$$P = \frac{\frac{1}{16} \times \frac{1}{4}}{\frac{1}{4}} = \frac{1}{16}$$

احتمال وقوع توأم رعایت ۴ شرط مورد اشاره همراه با ۹ شرط دیگر و ورود قضاوت

به ماهیت: $P = \frac{1}{16} \times \frac{1}{384} = \frac{1}{6144}$ و محاسبه توان اثباتی ادله دادخواه در شرایط بی‌خبری

از احتمال وقوع اثبات متناقض، بدین صورت است:

$$f(x, j) = \sum_{i=1}^{\infty} \text{evidence number} - |x \times j|^u$$

$x = Px = u$: احتمال وقوع اثبات متناقض و $j = pj$: احتمال وقوع درجه‌ای از

قضاوت راجع به ارزش اثباتی دلیل معارض، است و بدین ترتیب:

$$P(X) = \left(\frac{1}{n}\right)^6 \times (0.2 \times 0.3) = 0.005267489712$$

$$p_j = \frac{1}{\sqrt{11}} \times (0 + 0.1 + 0.2 + 0.3 + 0.4 + 0.5 + 0.6 + 0.7 + 0.8 + 0.9$$

$$+ 1) = 1/658312395$$

$$f = 1 - \left| 0.005267489712 \times 1/658312395 \right|^{0.005267489712}$$

$$= 0.02466084094$$

و اگر $V \in \{0, 1\}$ و P_v (Probability of victory) نماد احتمال صدور حکم له دادخواه و P_s (Probability of decision about subsentive) را نماد احتمال ورود قضاوت به ماهیت بدانیم:

$$p_v = p_s \times f \times v$$

$$v = \frac{1}{\sqrt{2}} \times (0 + 1) = 0.7071067812$$

بدین روی، می‌توان احتمال صدور حکم له دادخواه در امر حقوقی را به معنای اعم که با بی‌خبری از احتمال وقوع اثبات متناقض مطرح شده 0.02838191383% ، در دادخواهی به دیوان عدالت اداری با لحاظ مواد ۱۶ تا ۲۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۵۳ همان قانون، برابر 0.0002724663728 یا 0.2724663728% و در شکایت کیفری، احتمال صدور قرار جلب به دادرسی را معادل 0.1743784786% یا 17.43784786% محاسبه کرد؛ پس بر مبنای فلسفه پیش‌گفته برای مهندسی تقنین و تفسیر قوانین و مقررات برای افزایش احتمال توزیع عدالت در ماهیت امر، باید محاسبه توزیع عدالت در آنات زمانی و تشخیص نقض آن را تمهید کرد که در قسمت بعدی به آن پرداخته می‌شود، اما برای محاسبه شیوه تصمیم‌گیری در دعاوی و مهندسی آن به منظور توزیع عدالت، به نظریه بازی‌ها و تحلیل اقتصادی حقوق، احتیاج است.

در این رابطه، درباره دادرسی به معنایی که منظور این نوشتار و بستر تعارض اراده‌ها (دعوا) است، دستاورد یافته‌ها از میانه نظریه بازی‌ها، این است که چنین نبردی، مصداق بازی پویا با اطلاعات ناقص است. پیش‌تر پیوستگی منطق این نظریه با حقوق ایران، مورد توجه منابع علمی قرار گرفته است (Habibi and Habibi:2014: 167, 172,173)

دادرسی] حداقل یکی از بازیگرها، اطلاعات بیشتری درباره پیامد بازی دارد. همچنین در این بازی‌ها، اطلاعات به صورت نامتقارن است. در بازی‌های پویا با اطلاعات ناقص بازیگران به صورت متوالی، تصمیم می‌گیرند و اقدام می‌کنند و زمانی چنین تعارضی تثبیت می‌شود و به تعبیر نظریه بازی‌ها با رسیدن به تعادل، متوقف می‌شود که در کل مسیر بازی، تعادلی حاکم شود که درخصوص این نوع از بازی‌ها، «بیزین نش کامل» نامیده می‌شود (Abdoli, 2014: 126,127,128)، در چنین وضعیتی نه تنها استراتژی انتخاب‌شده بازیگران [طرف‌های دعوا] بلکه تغییر حالت آنها و تغییر حالات محیط در ایجاد بازی جدید مؤثر است (Asghari, 2019: 50, 58).

بر این اساس، با در نظر گرفتن این که تحلیل اقتصادی حقوق با نظریه بازی‌ها از نظر وجود رفتارهای استراتژیک، وجه اشتراک دارد (Badini and Ishraghi Arman, 2011:26,30) برای تحلیل چگونگی انتخاب‌های متأثر از قواعد بازی، باید به تحلیل اقتصادی حقوق رجوع و بدین ترتیب، مبنای مواجهه عقل را با قواعد به کار بستن ابزاری برای تأمین مقاصد شریعت اسلامی مبتنی بر تشخیص حسن و قبح امور در چارچوب حکم شارع، تعبیر کنیم (Mohaghegh Damad and Kikhaifarzaneh, 2019: 197,199). وانگهی در تحلیل اقتصادی حقوق به اطلاعات از دیدگاه «اقتصاد اطلاعات» نیز نگریسته می‌شود و این اصطلاح بیانگر هزینه‌های دسترسی به اطلاعات شامل زمان و پول است (Salvatore, 2021: 507).

بدین روی، به نظر می‌رسد که تحلیل اقتصادی به شیوه مزبور نه تنها نقش قواعد ناظر را بر شکل پذیرش دعوا در تغییر پیامدها و برهم زدن تعادل نش نشان می‌دهد، بلکه تحلیل اقتصادی حقوق نشان می‌دهد که شخصی که اطلاعات بیشتری دارد با ایجاد دعاوی بازی‌ساز و اعمال فشار یا برگزیدن دعاوی پیچیده‌ای که شخص کمتر مطلع با لحاظ مفهوم اقتصاد اطلاعات، قادر نیست اطلاعاتی برای چنین دعاوی جمع‌آوری کند، او را وادار می‌کند که مقاومت را رها سازد. وانگهی ممکن است با

توجه به هندسه دادرسی و وجود وجوه مختلف تهاجم در دادرسی، که تعریف آن ارائه شد، شخص کمتر مطلع، بر اثر ناتوانی در مقابله با فشار روانی ناشی از دادرسی و همچنین ندانستن چگونگی کمک گرفتن برای رفع این فشار، حق‌خواهی را رها کند یا وادار شود به کمتر از حق خود سازش کند که به نظر نوعی سوءاستفاده از وضعیت اضطرار و صورت دادن معامله‌ای از روی اکراه با وضعیت غیرنافذ، محسوب می‌شود. بدین منظور، نه تنها برای مهندسی نظام حقوقی از مجرای تقنین، مقررات‌گذاری و تفسیر قوانین و مقررات برای افزایش احتمال توزیع عدالت در ماهیت امر بلکه برای تشخیص نقض عدالت و امکان‌سنجش وضعیت توزیع عدالت در آنات زمانی (قبل و بعد از دادرسی‌ها و سایر ایقاع‌های مراجع حقوق عمومی) با در نظر گرفتن وجود اضلاع مختلف تهاجم، باید تابع توزیع عدالت را تمهید و تغییر وضعیت آن را قابل تشخیص و موضع مناسب را برای ایجاد تعادل نش کارا (برقراری عدالت و توقف دعاوی)، شناسایی کرد. امری که مطالعه آن به قسمت بعدی واگذار می‌شود.

۲-۱. عدالت جوهره نظام حقوقی و نقطه مستعد اتصال علوم و طراحی اندیشه مهندسی

در حقوق از هر دو چهره منطق صوری و ماهوی استفاده می‌شود و حقوق امری میانه دو قطب افراطی [منطق ریاضی و تجربی] برحسب نوع اعتقاد به مبانی حقوق است که در سطح فلسفه مورد بحث قرار می‌گیرد. تصمیم دادگاه را جو دادرسی می‌سازد و قاضی برای عدالت شهودی که در وجدان خود می‌یابد، استدلال می‌کند و این اختیار قاضی، به نسبت ابهامی که در مفهوم و قلمروی قاعده حقوقی وجود دارد و ظرفیت توصیف مسائل موضوعی، فزونی می‌یابد (Katouzian, 2021: 11,16, 17, 44,53)؛ از این روی، به نظر می‌رسد که ابعاد مختلف ترسیم‌شده در هندسه دادرسی برای مغلوب کردن طرف دعوی و برانگیختن احساس شهودی قاضی اهمیت می‌یابد که آن را P_v هنگام روش‌نمایی محاسبه صدور حکم له خواهان، نمایش دادیم.

می‌دانیم که توجه اندیشمندان در دهه‌های گذشته به روش‌نمایی محاسبه برای چنین وضعیت‌های (مانند عدالت) چندوجهی است. در این خصوص، توابع چند هدفه MODM^۱ برای طراحی و تعیین مطلوبیت متغیر وابسته‌ای به کار گرفته می‌شوند که به صورت چندین هدف در قالب تابع برای بهینه کردن در یک تابع کلی‌تر چند هدفه مطرح می‌شوند (Asgharpour, 2009: 1)؛ صورت کلی یک تابع چند هدفه را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

$$f(x) = \{f_1(x), f_2(x), \dots, f_k(x)\}$$

این روش‌نمایی به بردار بیشینه (یا کمینه) کردن مسئله معروف است و محدودیت‌های ممکن برای مقادیر ممکن آن $g(x)$ با علائم ریاضی حسب مورد پیرامون آن، بیان می‌شوند (Asgharpour, 2009: 2). به نظر می‌رسد درخصوص مسئله محاسبه توزیع عدالت، نسبت به بنیان‌های نظام حقوقی که همان مقاصد شریعت هستند با در نظر گرفتن نقطه آغاز و انحلال اهلیت تمتع، می‌توان تابع بهینه توزیع عدالت را با محدودیتی به صورت زیر نمایش داد:

$$f(x) = \{f_1(x), f_2(x), f_3(x), f_4(x), f_5(x), f_6(x)\}$$

$$s, t: g(x) \geq 0$$

همچنین به نظر می‌رسد که مسئله طراحی تابع وضعیت توزیع عدالت را می‌توان به کمک تابع چند هدفه، بدون مداخله دادن ترجیحات احساسی به کمک روش‌های معروف به $L - P$ متریک، محاسبه کنیم که منظور از این مجموعه روش‌ها، حداقل کردن انحراف توابع هدف در یک تابع چند هدفه، نسبت به یک وضعیت مطلوب است (Asgharpour, 2009: 11). چون ارزش $L - P$ متریک، می‌تواند متأثر از مقیاس اندازه‌گیری از اهداف موجود واقع شود (در صورت متفاوت بودن مقیاس‌ها) دو روش‌نمایی زیر معرفی شده است:

$$L - P = \left\{ \sum_{j=1}^k \gamma_j \left[\frac{f_j(x^{*j}) - f_j(x)}{f_j(x^{*j})} \right] \right\}^{1/p}$$

$$L - P = \left\{ \sum_{j=1}^k \gamma_j \left[\frac{f_j(x^{*j}) - f_j(x)}{f_j(x^{*j}) - f_j(x^{\sim j})} \right] \right\}^{1/p}$$

در روش‌نمایی دوم، فاصله متریک بین صفر و یک خواهد بود و از این روی قابل استفاده در محاسباتی از نوع فازی است (Asgharpour, 2009: 13). بدین ترتیب، نخست، با لحاظ اجزای مثبت و منفی که ممکن است نهاد دارایی هر شخص از آن برخوردار باشد، به نظر می‌رسد تابع هدف مالی بدین‌گونه قابل روش‌نمایی است:

$$f(x) = \sum_{i=0}^{\infty} x_i - \sum_{i=0}^{\infty} d_i$$

در این تابع x بیانگر معادل ریالی اجزای مثبت نهاد دارایی و d بیانگر معادل ریالی اجزای منفی دارایی یعنی تعهدات در معنای اعم است که البته تبیین روش تمهید شده برای محاسبه انواع وقایع حقوقی به معنای اعم از ظرفیت این نوشتار فراتر است. دوم، برای فراهم شدن امکان نظارت بر وضعیت بنیان نسل، به نظر تابع هدف نسل با توجه مبانی شرعی و حقوقی ازدواج و برحسب ارزیابی کیفی از میزان تحقق اهداف این عقد مقدس، به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$f(x, y) = \frac{x \times y}{\bar{x}}$$

در این رابطه x وضعیت زوجه در زندگی مشترک، y وضعیت زوج در زندگی مشترک و $\bar{x}$ میانگین وضعیت هریک از زوجین بدون داشتن زندگی مشترک است که به صورت فازی برحسب نظریه کارشناسان خانواده، با تابع عضویت دارای نمایش زیر، ارزیابی و محاسبه می‌شود.

$$\mu_{\bar{A}}(X): X \rightarrow [0, 1]$$

آنگاه با رابطه معروف به مرکز ثقل (COG)، می‌توان غیر فازی اعداد حاصل را به دست آوریم (Bashiri and Hosseinijo, 2009: 420, 434). سوم: درخصوص تمهید تابع

هدف نفس، می‌توان بر این عقیده بود که ابتکار شریعت اسلامی و پیشرو بودن آن در تحلیل اقتصادی خسارت وارد بر ابدان را باید شیوه‌ای برای تحلیل رقمی وضعیت جسمانی و حتی روحی اشخاص بدانیم. در این خصوص با توجه به قواعد عمومی دیه مستفاد از مواد ۵۴۹، ۵۵۴، تبصره ماده ۵۵۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۹، ۷۰۹، ۷۱۰ و ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و با لحاظ این که از نظر متخصصان بافت‌شناسی یک دستگاه زیستی زنده، مجموعه‌ای از بافت‌هاست که برای هدف مشترکی فعالیت می‌کنند و هریک، عملکردی برای حفظ حیات دارند و انسان دارای ۷۸ دستگاه زیستی است که در این شمارش ۲۰۶ استخوان انسان و دندان‌های او یک دستگاه محسوب می‌شوند (M J.Lee, 2022) می‌توانیم رابطه زیر را برای محاسبه وضعیت تابع هدف نفس برقرار بدانیم:

$$f(x) = \sum_{i=1}^{78} x_i - c_d$$

در این رابطه، هر x_i بیانگر میزان یک دیه کامل و c_d بیانگر میزان آسیب وارده است، چنین برداشتی امکان کنترل وضعیت سلامت اشخاص و آسیب‌های وارده را به آنها صرف‌نظر از علت آن با تجمیع اطلاعات پزشکی و پزشکی قانونی، فراهم می‌کند و تابع هدف نفس را بیش از پیش به حوزه مسئولیت مدنی و حتی حوزه حقوق عمومی مرتبط می‌سازد.

چهارم: عقل بنیان دیگری است که شریعت مترصد صیانت از آن است. از منظر ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عقل منفعتی است که زائل کردن آن موجب پرداخت دیه کامل و ایجاد نقص در عقل، موجب ارش است. این حکمی است که منابع معتبر فقهی نیز بر آن معتقدند (Shahid Thani, 2001: 676). در این رابطه دانستیم که وضعیت سلامت روان که با پرسش‌نامه چندوجهی مینه‌سوتا ارزیابی می‌شود، در واقع به عقل معطوف است و به هر روی، به نظر می‌رسد تابع هدف عقل را می‌توانیم به صورت زیر ترسیم کنیم:

$$f(x) = y$$

در این تابع x برابر میزان خروجی آزمون روان‌شناختی مورد استفاده است که $f(x)$ نیز دقیقاً همان مقدار را می‌یابد.

پنجم: بنیان دیگری که شریعت، صیانت آن را دنبال می‌کند دین است. از دیدگاه توزیع عدالت، بنا بر اصل استحقاق در عرصه آموزش برای بررسی وضعیت بهیئگی آن و ترسیم تابع هدف در این خصوص، باید بنا را بر بنیان کهنی بگذاریم که فقیهان بدان پرداخته‌اند. دانستیم که تفاوت در دین موجب تفاوت در دیه از منظر فقه بوده است که اکنون بنا بر حکم قانون و نظر حکومتی رهبری، جنبه برابری یافته است. به هر روی می‌توانیم از منطق فازی برای ترسیم تابع هدف آن استفاده کنیم، تابعی که دامنه آن و تبعاً، برد آن بر مبنای نظریات کارشناسان مصاحبه‌کننده یا اظهارات خود شخص در مواقع مختلف، قابل ارزیابی و تقویم است.

$$\mu(x) = \frac{\sum_{i=1}^{\infty} x_i}{n}$$

در این رابطه، x_i تعداد نظریات کارشناسی یا تعداد دفعات خوداظهاری و n تعداد نظریات یا خوداظهاری است که منجر به محاسبه به صورت میانگین می‌شود که از نظر آماری جزء شاخص‌های مرکزی است. ششم: تابع هدف عرض را می‌توان با توجه به قاعده صحت و در نظر گرفتن وجود عرض برای هر شخصی، ۱۰۰٪ یا معادل ۱ در بازه بسته [۰ و ۱] محسوب کرد و آن را به این صورت بیان کرد:

$$f(x) = 1 - x$$

در این رابطه، x بیان‌کننده میزان خسارات وارده به عرض است که به نظر راساً یا به اتکای نظریه کارشناس، دادگاه آن را تعیین می‌کند.

بنابراین، عدالت آن نقطه تلاقی است که استعداد پیوند دادن زمینه کاربرد علوم مختلف را به یکدیگر دارد. اندیشه مهندسی نظام حقوقی نیز که از همین استعداد برمی‌خیزد، پس از بررسی رابطه امنیت و عدالت و نیز بررسی مکانیسم کنونی نظام حقوقی در هندسه دعاوی (محیط بازی)، برای صیانت از عدالت بر مبنای حقوق

خصوصی، به تمهید ابزارهایی برای مهندسی رفتارها نیاز دارد؛ پس حال باید مکانیسم کنونی نظام حقوقی را سنجید تا بعد بتوان ابزارهای مورد نیاز و تعریف عملیاتی این مهندسی را تمهید و تبیین کرد.

۲. مکانیسم نظام حقوقی و امکان‌سنجی محقق کردن توأم امنیت و عدالت

در این بند برآنیم که نظریه مهندسی نظام حقوقی را بر مبنای حقوق خصوصی مورد مطالعه قرار دهیم تا پی ببریم آیا می‌تواند انتظار لازم را برای محقق کردن امنیت از نظام حقوقی نیز تأمین نماید، از طریق به ترتیب: الف) مکانیسم نظام حقوقی و مسئله رابطه عدالت با امنیت؛ ب) مکانیسم کنونی نظام حقوقی برای محقق کردن عدالت توأم با امنیت در هندسه دعاوی.

۲-۱. مکانیسم نظام حقوقی و مسئله رابطه عدالت با امنیت

مکانیسم در لغت‌نامه انگلیسی به معنای دفاع یک موجود زنده برای حفظ بقا یا اجتناب کردن از عسر و خطر نیز آمده است (Person, 2013: 1055) و می‌دانیم که جامعه دارای نظم و امنیت، جامعه‌ای است که اشخاص از مصونیت حقوق خودشان، اطمینان خاطر داشته باشند (Taheri et al., 2016: 13, 69, 70)؛ وانگهی بنا بر تحقیقات انجام‌شده در دانشگاه دفاع ملی، مبنای بنیادین امنیت، خود عدالت است (Mirhosseini, 2020: 153-154)؛ بدین روی به نظر می‌رسد که علم حقوق که در ذات خود به محقق کردن عدالت به مثابه روال طبیعی امور می‌پردازد و به تبع، اندیشه مهندسی نظام حقوقی بر مبنای حقوق خصوصی که بر آن مبتنی است، در واقع امنیت را نیز به ارمغان می‌آورد.

آنان که امنیت حقوقی را نیز رکن دولت حقوقی می‌دانند بر ارتباط امنیت و عدالت صحنه می‌گذارند و محقق کردن این دو مهم را کار قواعد حقوقی می‌دانند. از نظر اینان امنیت حقوقی تمام کارکرد نظم حقوقی را دربرمی‌گیرد و شامل تمام قواعد ماهوی و

شکلی حقوقی می‌شود (Vizhe, 2011: 95, 96, 97)؛ بدین روی، به نظر می‌رسد مفهوم دولت حقوقی، عدالت و امنیت را مجزای از ابتناء اعمال خود بر قواعد حقوقی نمی‌بیند؛ در حالی که مفهوم امنیت بدون این قید، دولت ناظم را راهکار می‌پندارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد رابطه منطقی مفهوم امنیت و امنیت حقوقی را، که عدالت مبنای آن است، باید متساوی بدانیم. اکنون باید نظری بر این مسئله انداخت که چگونه با نقض بُعدی از امنیت و عدالت، جبهه دادرسی مطرح می‌شود و مکانیسم کنونی نظام حقوقی برای برقرار کردن امنیت در هندسه دعاوی، چگونه است؛ مطالعه این مهم در قسمت بعدی به انجام خواهد رسید.

۲-۲. مکانیسم نظام حقوقی و امکان‌سنجی محقق کردن توأم امنیت و عدالت در هندسه دعاوی

اکنون که دانستیم که تمام اشکال امنیت، وضعیتی مرتبط با قواعد حقوقی دارد و اجرای عدالت، مستوجب تأمین امنیت است، باید بنگریم که مکانیسم کنونی نظام حقوقی در برابر نقض امنیت چگونه است و با ترسیم هندسه دعاوی در جوامع امروزی (محیط بازی)، این مکانیسم را در اضلاع متعدد آن، تحلیل کنیم، امری که به ترتیب در دو قسمت به انجام خواهد رسید.

۲-۲-۱. مکانیسم کنونی نظام حقوقی و امنیت حقوقی

امنیت، حاصل وجود عدالت و نیز پیامد بازتوزیع مجدد آن به نظر می‌رسد، بدین روی، آنچه در مسیر تحقق بخشیدن به عدالت در روابط اجتماعی اشخاص می‌گذرد، اهمیت می‌یابد؛ زیرا به نظر می‌رسد دعوا که برای رسیدن به عدالت درخصوص حق تضییع یا انکارشده مطرح می‌شود، خود پیامدی از نقض امنیت حقوقی است، امنیتی که به موجب مباحثی که در این نوشتار گذشت، دانستیم آیین‌های دادرسی که برخی، از آن با نام حقوق تضمین‌کننده یاد کرده‌اند (Shams, 2015: 18) نه تنها گاه به ابزاری برای

جلوگیری از اثبات حق مرتبط با آن تبدیل می‌شوند، بلکه راهکاری برای ممانعت از راه افتادن دعوای موازی، متوالی یا موازی-متوالی ندارد و وجوه نبرد اطلاعاتی، اقتصادی، روانی و مادی (محیط بازی) را دربرنمی‌گیرد و ابزار یا روشی برای مدیریت اثر آنها بر سرانجام دادرسی، ارائه نمی‌کند.

در دوران جدید، برخلاف گذشته، انسان‌ها برای یکدیگر دام‌های بسیار ظریفی می‌گسترانند و حتی بی‌گناه‌ترین انسان نیز ممکن است، دچار شبکه‌ای ظریف و حساب‌شده از بدخواهی و نادرستی و خیانت شود و به ناحق به زیر چکش سنگین قضاوت، در هم کوبیده شود (Villa, 2010: 197) و علاوه بر آن، تحقق عدالت به قدرت اقتصادی و تحمل هزینه‌ها وابسته است (Katouzian, a, Vo 1, 2014: 235) بدین روی، برخی با تکیه بر نقل‌قولی از پل دوران، به‌طور ضمنی آن را می‌پذیرند که تساوی حقوقی بدون برخورداری از برابری اقتصادی، کارگر نخواهد افتاد (Iraqi, 2007: 69)؛ و بدین‌گونه به نظر می‌رسد که می‌توان امنیت کامل را به اطلاعات، تاب‌آوری، پایگاه اجتماعی و توان اقتصادی وابسته دانست. حتی این نارسایی در تأمین امنیت در بعد اثباتی نیز مطرح است؛ زیرا برخی آورده‌اند هرچند که مفهوم دلیل نمایاندن و پیدا کردن واقعیت را در برمی‌گیرد اما با این‌همه ممکن است امری را که واقعیت نیست، واقعیت بنمایاند (Shams, 2014: 29).

پس باید در نظر گرفت با چه استراتژی‌هایی اشخاص می‌توانند امنیت و به تبع آن وضعیت عادلانه را نقض کنند و نظام حقوقی کنونی، چه واکنشی دارد تا سپس بررسی شود که با چه ابزارهایی می‌توان در تکمیل ظرفیت‌های حقوقی کنونی در جهت اندیشه مهندسی نظام حقوقی بر مبنای حقوق خصوصی، به برقراری و بازتوزیع عدالت رسید در شرایطی که ابعاد مذکور نامتوازن است. مطالعه استراتژی‌های مورد اشاره به قسمت بعدی محول شده است و تمهید ابزارها در نوشتار دیگری، پی گرفته خواهد شد.

۲-۲-۲. ترسیم هندسه دعاوی و امکان‌سنجی محقق کردن توأم امنیت و عدالت

تبیین شد که تنازع اجتماعی براساس دانش کنونی بشر هندسه‌ای پنج وجهی دارد. از نظر «علم تحلیل اطلاعات» آنچه در ظرف ادراک حواس قرار می‌گیرد و پیامدهای آن ارزیابی می‌شود، «داده» است که پس از سازمان‌دهی ذهنی - به مفهومی که به مناسبت اشاره به رویکرد روان‌شناختی گذشت - اطلاعات فراهم می‌شود و سپس از میانه پردازش و تحلیل این اطلاعات، بینش به وجود می‌آید و سرانجام پس از تعمیق ادراک، به دانش منتهی می‌شود (Hull and Seiterbaum, 2019: UNO) براساس همین نقش اطلاعات در تصمیم‌گیری است که امروزه اطلاعات را محور قدرت و جزء لاینفک مدیریت امور به شمار می‌آورند (Fadaei, 1997: 1)؛ زیرا در برابر انبوه اطلاعاتی که به ذهن انسان می‌رسد، پدیده‌های مانند آلودگی اطلاعات، ارعاب و اغوای اطلاعاتی در کمین تصمیم‌گیرنده است، آلودگی اطلاعاتی، تباہ شدن ذهن در مواجهه با انبوه اطلاعات آمیخته و ارعاب اطلاعاتی منفعّل شدن شخص و تسلیم شرایط شدن و افزایش آسیب‌پذیری است. اغوای اطلاعاتی نیز در واقع اطلاع نیست، بلکه عملیات با اطلاعات و مورد سوءاستفاده قرار دادن مخاطب است (Fadaei, 1997: 12,13). از نظر حقوقی نیز، فراتر از عرصه تحلیل اقتصادی حقوق، «اطلاعات» در حوزه علم حقوق و فراهم کردن امکان احقاق حق، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در این خصوص، بنا بر ماده ۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۷، اطلاعات عبارت است از هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره یا با هر وسیله دیگری ضبط شده باشد.

وانگهی اثر انتقال ناصحیح اطلاعات محدود به سیر دادرسی (بازی علامت‌دهی) نیست و از جمله در حقوق قراردادهای، خیار تدلیس را، که به معنی اختیار فسخ عقد به علت فریفته شدن و پنهان‌کاری طرف عقد است، به نظر باید در شمار آلودگی اطلاعاتی بدانیم؛ زیرا بنا بر نظر حقوق‌دانان «تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود» و این عملیات فریبنده می‌تواند با دروغ گفتن نیز انجام شود و

وصفی موهوم را از نظر عرفی به مورد معامله نسبت دهد (Katouzian, General rules of contracts, Vo 5, 2015: 278, 280 and 281).

اما تحلیل تهاجم اقتصادی، با نظریه‌های اقتصادی ممکن می‌شود؛ اقتصاد خرد، نظریه بررسی رفتارهای انفرادی بازیگران اقتصادی خرد است (Salvatore, 2021: 2)؛ یافته‌های آن، درخصوص دادخواهی نیز صادق پنداشته شده است؛ زیرا بنا بر منابع علمی، دادخواهی و احقاق حق، مستلزم پرداخت هزینه است که نه تنها به‌عنوان منبع درآمد دولت بلکه اهرم مؤثری شمرده می‌شود که ادعاهای واهی و تراکم کاری مراجع را تا حد زیادی تعدیل می‌کند (Shams, 2016: 55,62) و این نگاهی است که در اقتصاد خرد نیز با عنوان وابستگی تقاضا به تابع قیمت و درآمد مطرح می‌شود (Salvatore, 2021: 19, 20).

وانگهی در روند اجرای حکم نیز پرداخت هزینه‌هایی با لحاظ امتناع محکوم‌علیه، بر محکوم‌له تحمیل می‌شود که در این میان به نظر می‌رسد، نهاد اعسار در این خصوص کارآمد نیست؛ البته نه تنها بنا بر منابع پژوهشی، گاه سازمان حقوقی اعسار می‌تواند به پنهان کردن وضعیت مالی حقیقی و مانع اجرای حکم و اضرار به محکوم‌له منجر شود (Akrami and Hatami, 2020: 59, 97)، بلکه می‌دانیم، گستره رویارویی اقتصادی دو حریف به موجب دادرسی دعوای مالی، به لزوم پرداخت هزینه‌های دادرسی و استفاده از امتیاز ناشی از استناد به مواد ۵۳ و ۶۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ یا رویارویی اقتصادی آنها بعد از ختم دادرسی و قطعی شدن حکم، با بهره‌گیری از فشار اقتصادی مواد قانونی معین‌شده درخصوص هزینه‌های اجرایی، محدود نمی‌شود؛ امری که با اتکا به قضایای رویکرد اقتصاد رفتاری قابل استنباط است.

در این رویکرد، یافته‌های علوم متعددی با یکدیگر تلفیق شده‌اند، مبنای انتخاب‌ها نیز خرد متعارف و همه‌چیزدانی، فرض نمی‌شود و جامعه و تجارب پیشین مؤثر در شکل‌گیری انتخاب‌ها لحاظ می‌شوند. بدین روی، شهرت به داشتن اخلاق منطبق با

هنجارهای اجتماعی و قابل اعتماد بودن، رغبت دیگران را به مبادله اقتصادی افزایش می‌دهد و مخدوش شدن اعتبار به پیامدهای اقتصادی ناخوشایند، می‌انجامد و در این میان، نهادهای حاکم هستند که با تعیین قواعد بازی، انگیزه‌ها و انتخاب‌ها را متأثر می‌کنند. بدین ترتیب رویکرد اقتصاد متعارف، که ذهن را منبع غیرکمیابی می‌داند، مردود دانسته می‌شود (Altman, 2019: 1, 9, 10, 15, 26, 38, 67, 76, 170-171) برخی دیگر از منابع نیز در این خصوص، نقش جامعه و تجارب پیشین را در شکل‌گیری انتخاب‌ها تأیید می‌کنند (Timuri et al., 2017: 1)؛ بدین روی، براساس توجه اقتصاد رفتاری به عوامل غیرپولی به‌خصوص عصب‌شناختی و روان‌شناسی است که می‌تواند توضیح دهد چرا اطاله دادرسی و درگیر شدن در روند طولانی دادرسی، حتی اگر بدون حکم یا قرار به پایان برسد، اشخاص را خشمگین می‌کند. پس تهاجم اقتصادی در نظم حقوقی کنونی امری شدنی است و مکانیسم سازمان حقوقی اعسار، برای کنترل آن به اندازه کافی کارآمد نیست.

به‌علاوه ضلع دیگر دادرسی به معنای پویای آن (محیط بازی) می‌تواند تهاجم روانی باشد؛ دانستیم که حالت روانی اشخاص و شخصیت آنها، بر مبنای تجارب و افکاری است که آنها را در برگرفته و باور آنها و به تبع آن، استراتژی آنها را تعیین می‌کند، پس اکنون جنگ و عملیات روانی باید مورد توجه قرار گیرد. برخی بر این نظر هستند که جنگ روانی پدیده‌ای نوین نیست بلکه در طول تاریخ وجود داشته و اخص از عملیات روانی است؛ آنها جنگ روانی را استفاده برنامه‌ریزی‌شده از تبلیغات برای تحریف عقاید، تضعیف روحیه و بی‌اعتبار کردن انگیزه‌ها می‌دانند (Moradi et al., 2016: 149, 150 and 151). به تصریح برخی، جنگ روانی را ممکن است افرادی به وجود آورند که از این قواعد و اصول روان‌شناسی اطلاعی ندارند؛ در عین حال، اطمینان و استقامت را به ناتوانی و انفعال و کاهلی را به طغیانی علیه هدف تبدیل کنند (Nasr, 2008: 107)؛ بدین روی به اعتقاد برخی دیگر، جنگ روانی نوعی تبلیغات ناسالم، همراه با فریب و نیرنگ است (Zulfaqari, 2012: 30). وانگهی امروزه عملیات روانی نیز که

تلاش‌های برنامه‌ریزی‌شده برای تغییر ادراک و رفتار «هدف» و همچنان مطرح است، دیگر مانند گذشته محدود به ابزارهای ساده و ابتدایی مانند صدای بلند برای ترساندن نیست (4، 1-2: Farhangi and Ahmadzadeh Kermani, 2007). تنقیح مناط ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی باب دیات مصوب سال ۱۳۹۲ درخصوص ارباب موجب حرکت ناخودآگاه و آسیب و ماده ۵۰۱ همان قانون درخصوص ارباب منتج به مرگ یا آسیب و نیز حکم مقرر در بند «الف» ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ که یکی از شرایط صدور قرار بازداشت موقت متهم را اثر آزاد بودن متهم بر وقوع امتناع شهود از ادای شهادت، مقرر کرده است، گویای آن است که قانون‌گذار خود نیز به برخی از آثار عملیات روانی در نقض عدالت نسبت به بنیان‌ها، توجه داشته است.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که از منظر توجه به مقاصد شریعت، جزء عرض و دین، بر بقیه مقاصد که شامل مال، نسل، نفس و عقل است، توسل به زور یا خشونت می‌تواند موجب خسارت شود و ضلع تهاجم مادی رقم بخورد، امری که باید از منظر حقوق جزا برای بررسی مکانیسم کنونی نظام حقوقی، به تفصیل بررسی شود که از ظرفیت این نوشتار خارج است؛ البته از دیدگاه فقهی و حقوق خصوصی نیز توسل به زور و خشونت برای تضییع اموال را تحت عنوان قاعده اتلاف مورد بررسی قرار می‌دهند (Mohaghegh Damad, 2015:109,114,115). در حقوق موضوعه ایران نیز به موجب مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷، به ترتیب اتلاف و تسبیب، مستوجب ضمان قهری به شمار آمده است. همچنین به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، وارد کردن خسارت، مستوجب تحقق مسئولیت مدنی، مقرر شده است. از منظر حقوق اداری نیز به نظر می‌رسد که توسل به زور یا خشونت علاوه بر ضمانت اجرای مقرر در قانون مدنی و قوانین جزایی، مشمول بند ۱ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال ۱۳۷۱ و مستوجب مجازات انتظامی است.

در ضلع حقوقی نیز به‌رغم آنکه مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی، حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند برای دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند

و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی منع کرد که به موجب قانون حق دارد به آن مراجعه نماید (Hashemi, 2014: 377-378) اما در این میان به نظر می‌رسد که صلاحیت نظام حقوقی و مبرا بودن محکوم‌له یا ذی‌نفع اعمال اداری انشاء یا اقدام شده علیه دیگری از هرگونه مسئولیتی، گاه انگیزه‌ای می‌شود تا هر شهروندی بخواهد این صلاحیت را به سود خویش به کنترل درآورد. برخی منابع علمی نیز بر آن‌اند که گاه ابزارها و وسایل حقوقی به جای آنکه به ایجاد همبستگی اجتماعی بیانجامد، تضاد و ستیز اجتماعی را تشدید می‌کند؛ زیرا گروه‌هایی که قدرت حقوقی را در جامعه در دست دارند، از آن به‌عنوان سلاحی برای ایمن داشتن و افزوده‌تر کردن منافع خویش، بهره می‌برند (Arjamandsiahpoush, 2010: 203). در همین خصوص، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب سال ۱۳۱۵، نشان می‌دهد که قانون‌گذار این لایه از پدیده‌های اجتماعی را شناخته است. وانگهی بنا بر منابع علمی، گاه بدون تخلف قاضی یا کارکنان اداری مراجع قضایی یا اداری، ممکن است این مراجع مورد سوءاستفاده ابزاری قرار گیرند، تقلب به قانون یکی از این روش‌هاست و با به کار بستن مهارت در استفاده از راه‌های مناسب حقوقی، متفاوت است (Katouzian, General rules of contracts, Vol. 1, 2014: 225). همچنین به موجب قانون مجازات، اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند مصوب سال ۱۳۰۷، تبانی اشخاص برای طرح دعاوی واهی و بردن مال غیر یا تضییع حق دیگری، از سوی قانون‌گذار مورد شناسایی قرار گرفته است. حال پس از واکاوی ضعف‌های مکانیسم کنونی نظام حقوقی در هندسه منازعات (محیط بازی)، اکنون باید ابزارهای مورد نیاز اندیشه مهندسی نظام حقوقی بر مبنای حقوق خصوصی تمهید و تعریف عملیاتی آن، که از آثار ارائه این نظریه است، تبیین شود، امری که از حوصله این نوشتار خارج است و در نوشتاری دیگر، مطرح خواهد شد.

فرجام سخن

فرهنگ از تضارب فلسفه و تمدن، شکل گرفته است و بنیان‌های نظام حقوقی را در جامعه تعیین می‌کند. وانگهی اعمال نظام حقوقی نیز با تقویت هنجارهای فرهنگی، همبستگی دارد. در این میان نظام حقوقی اسلامی، بر این فلسفه استوار است که نصیب عادلانه تشریع شده درخصوص مقاصد شریعت را، که همان بنیان‌های کلی نظام حقوقی اسلامی است، به ازای هر شخص برقرار نگه دارد و مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی در صورت تضییع یا انکار حق برآمده از عدالت موصوف، به بازتوزیع آن پردازد. بر این اساس، همان‌گونه که رجوع به کارشناسی مباح و موجه است، بر پایه فلسفه، از یافته‌های دیگر علوم برای طراحی نظریه و معادله ریاضی عدالت، به صورت یک تابع چند هدفه که امکان بارگذاری بر روی هوش مصنوعی را دارد، به‌منظور تمهید معیار مهندسی تقنین، مقررات‌گذاری و تفسیر قوانین و مقررات، بهره گرفته و تبیین شد که بر مبنای علوم چون نظریه بازی‌ها و تحلیل اقتصادی با رویکرد رفتاری، می‌توان انتخاب‌ها را نیز در هندسه دعاوی (محیط بازی) مهندسی کرد؛ بنابراین اندیشه مهندسی نظام حقوقی با رویکرد حقوق خصوصی برحسب تبیین دگرگونه از مفهوم جرم با ابزارهای خودش، به‌منظور صیانت و توزیع عدالت، می‌تواند به مهندسی پیشینی، میان‌جبهه‌ای و پسینی رفتارها و پیامدهای آنها نیز پردازد.

References

- Abdul Fattah, E. & Rahiminejad, I. (2002). What is crime and what are the criteria for criminalization?، *Judicial Law*, 66(41), 135-160[in Persian].
- Asgharpour, M. J. (2009). *Multi-criteria decision makin*. Tehran: University of Tehran,[in Persian].
- Arjamandsiahpoush, I. (2010). *Sociology of law*. Tehran: Jamehshenasan[in Persian].
- Abdoli, the hero. (2014). *Game theory and its applications*. Tehran: Side [in Persian].
- Abdul Maliki, S. (2015). *Basics of psychology*. Tehran: Science [in Persian].

- Altman, M. (2019). *behavioral economy*. Translator: Mohsen, Renani. Tehran: Avand Danesh [in Persian].
- Asghari, N. (2019). The effect of games on each other in game theory, Dissertation for receiving a doctorate degree in Mathematics (Analysis), University of Semnan, supervisor: Ishaghi, Majid and Ghaffari Ali [in Persian].
- Akrami, Z. & Hatami, A. A. (2020). Dismissal from the convicted and deviations of the proceedings in the mirror of the law on the manner of execution of financial convictions. *Legal Studies*, 12(2), p 59-100 [in Persian].
- Bashiri, M. & Hosseinijo, S. A. (2009). *Industrial systems design*. Tehran: Shahid University [in Persian].
- Badini, H. & Ishraghi Armani, M. (2011). Predicting the behavior of parties to contracts and disputes based on game theory, *Comparative Law Studies*, 2(1), 25-50 [in Persian].
- Cohen, M. (2019). history of philosophy. Translator: Shafghati, Mehdi. Tehran: Avand Danesh [in Persian].
- Dadger, Y. (2008). Dimensions and performance of game theory in different disciplines, *Legal Research*, 11(47), 101-137 [in Persian].
- Farshad, M. (1983). *History of engineering in Iran*. Tehran: Gaish [in Persian].
- Fadaei, Gh. (1997). *The importance and role of information in decision making*. Tehran: Majlis Research Center, report No 3701188 [in Persian].
- Farhangi, A. A., Ahmadzadeh Kermani, R. (2007). Mental operations, language and the structure of consciousness. *Journal of Cultural and Communication Studies*, 3(8), 1-16 [in Persian].
- H. Bowker, A. & Lieberman, G. (2009). *Engineering statistics*. Translator: Mahluji, Hashem. Tehran: Academic Publishing Center [in Persian].
- Hashemi, S. M. (2014). *Fundamental rights of the Islamic Republic of Iran*. Vol 2, Tehran: Mizan [in Persian].
- Habibi, B. & Habibi, Sh. (2014). Analyzing the theory of civil litigation games with emphasis on cooperative litigation game. *Studies in Contemporary Comparative Law*, 6(11), 167-193.
- Hikmatnia, M. (2014). Fundamental rules in law and the methodology of their verification and development, *Islamic Law*, 11(42), 7-37 [in Persian].
- Hull, W. & Gray, S. (2019). *Information analysis - how to think in complex environments*. Tehran: Educational and Research Institute of Defense Industries, Future Research Center of Defense Science and Technology [in Persian].
- Iraqi, E. (2007). *salary*. Vol 1, Tehran: Samt [in Persian].

- Jalaipour, H. (2010). Iran is modern. *Iranian Journal of Sociology*, 11(1), 22-48 (in Persian).
- Katouzian, N. (2014). *General rules of contracts*, Vol. 1, Tehran: Sahami Publishing [in Persian].
- Katouzian, N. (2014). *Moin contracts of the advanced period*, vol. 1, Tehran: Sohami Publishing [in Persian].
- Kreinovich, V., Kohout, L. & Kim, E. (2011). Square root of 'not': a major difference between fuzzy and quantum logics. *International Journal of General Systems*, 40(1), 111-127 .
- Katouzian, N. (2015). *General Rules of Contracts*, Vol. 5, Tehran, Sahami Publishing [in Persian].
- Karimi, A., Ayen, A. & Shirvani, K. (2017). *The general theory of justice in the science of law*. Tehran: Judge [in Persian].
- Katouzian, N. (2021). *Philosophy of Law*. Vol 3, Tehran: Ganj Danesh [in Persian].
- lisa, M J.Lee. (2022). *How many organs are in the human body?:* <https://www.livescience.com/how-many-organs-in-human-body.html>
- McManaman, L. J. (1958). Social engineering: The legal philosophy of Roscoe Pound, *John's L. Rev.*, 33, 1.
- Mohseni, H. (2007). Civil justice system. *Private Law Studies*, 38(1), 81-116 [in Persian].
- Mohaghegh Damad, S. M. (2015). Rules of jurisprudence-civil sector. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center [in Persian].
- Moradi, W., Tayibi-Jebeli, M. & Heydari, M. A. (2016). Jurisprudence and legal analysis of psychological operations. *Research Journal of Islamic Law*, 17(2), 149-173 [in Persian].
- Matnuh, H. (2017). *Law as a Tool of Social Engineering*. Paper presented at the 1st International Conference on Social Sciences Education- "Multicultural Transformation in Education, Social Sciences and Wetland Environment"(ICSSE 2017).
- Mohaghegh Damad, M. & Kikhaifarzaneh, M. A. (2019). Reason in the basics of economic analysis of law compared to Islamic law (based on the ideas of Allameh Tabatabai (RA)), *Fiqh and Fundamentals of Islamic Law*, 52(1), 183 - 203 [in Persian].
- Mirhosseini, Vahid. (2020). Investigating the role of direct and indirect factors of the sense of judicial justice in promoting public security in the Islamic Republic of Iran, *National Security Journal*, 10(37), 151-175 [in Persian].
- Namazi, H. & Lashkari, A. (2012). balance and justice approaches; Digging into the approach of Shahid Sadr and Shahid Motahari to balance, *Marafet Islamic Economy*, 3(2), 122-97 [in Persian].

- Nemati, Mohammad. (2017). Reviewing and criticizing the book "John Rawls' Theory of Justice" with an emphasis on the definition of justice, *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 17(3), 103-122 [in Persian].
- Person. (2013). *Advanced American Dictionary*. china: Pearson Education.
- Poisson, Siméon-Denis. (2013). *Researches into the Probabilities of Judgements in Criminal and Civil Cases* Oscar Sheynin, Trans.). Paris: NG-Verlag (Viatcheslav Demidov Inhaber).
- Ross, Sh. (2003). An introduction to statistics and probability. Translator: Majid, Asadi; Georgia, Boghronia. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [in Persian].
- Nasr, S. (2008). *mental war*. Translator: Haqit Kashani, Mahmoud. Tehran: Soroush (in Persian).
- Ross, Sh. (2006). *Basics of probability*. Translator: Parsian, Ahmed; Hamdani, Ali. Isfahan: Sheikh Baha'I [in Persian].
- Rezaei, I. & Shahnazari, J. (2017). Investigation and analysis of the relationship between man and nature in Mulla Sadra's philosophy, *philosophical-theological researches*, 199(3), 5-24 (in Persian).
- Salvatore, D. (2021). *Theory and issues of microeconomics*. Translator: Arbab, Hamidreza. Tehran: Nashrani [in Persian].
- Sciama, DW. (1961). On the Interpretation of the Einstein-Schrödinger Unified Field Theory, *Journal of Mathematical Physics*, 2(4), 472-477.
- Shahid Thani, Z. bin A. (2001). *Argumentative jurisprudence (translation of Tahrir al-Rawzah fi Sharh al-Lamaa)*. Qom: Kitab Taha [in Persian].
- Schmitt, I., Nürnberger, A., and Lehrack, S. (2009). *On the relation between fuzzy and quantum logic*, Views on Fuzzy Sets and Systems from Different Perspectives , 417-438: Springer.
- Shakuri Katigeri, A. (2010). *Fuzzy probability*, thesis for obtaining a master's degree, Khwaja Nasreddin Tusi University of Technology, Supervisor: Hashemi Perst, Moqtadi and Hashem Parvaneh Meshya [in Persian].
- Sabahi, F. (2013). *Theory of logic and imprecise reasoning based on extended fuzzy logic: with an applied approach to judicial and medical decision-making*, Dissertation for Doctorate Degree, Ferdowsi University of Mashhad, Supervisor: Akbarzadeh Totunchi, Mohammad Reza [in Persian].
- Shams, A. (2014). *Evidence to prove the case*. Tehran: Drak [in Persian].
- Shams, A. (2015). *Advanced civil procedure*. Vol 1, Tehran: Drak [in Persian].
- Shams, A. (2016). *Advanced civil procedure*. Vol 2, Tehran: Drak [in Persian].

- Shahbazinia, M. & Hemti, Mojtabi and Javan, Sadiqeh. (2019). Evaluating access to justice in Iran's civil justice system, private law studies, No. 3, p 463-482 [in Persian].
- Safari, N. (2021). *An introduction to the American civil justice system*. Maragheh: Maragheh University [in Persian].
- Taliban, M. R. (2018). *Sociology, social engineering and revolution*. Tehran: Imam Khomeini Research Institute (RA) [in Persian].
- Taheri, Z., Hashemian Far, S. A. & Nematullahi, Z. (2016). *Sociology of security and sense of security*. Tehran: Jamehshenasan [in Persian].
- Timuri, A., Renani, M. & Mohammadi, A. Hamid. (2017). Criticism of rational choice from the perspective of competing approaches: behavioral economics, laboratory and brain sciences, *Iran's Economic Research Journal*, 22(73), 1-43 [in Persian].
- Tabatabai, M. & Hossein, Motahari, M. (No date). *Principles of realism philosophy and method*. Volume 1, Tehran: Sadra [in Persian].
- Villa, A. (2010). *Forensic psychology*. Translator: Kaynia, Mahdi, Vol 1, Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly [in Persian].
- Vizhe, M.R. (2011). Legal security as a condition for realizing judicial security, *Strategy*, No 58, p 95-130 [in Persian].
- Velayati, A. A. (2014). *Islamic culture and civilization*. Qom: Maarif Publishing [in Persian].
- Zulfaqari, M. (2012). *psychological operations; Information warfare and strategic deception*. Tehran: Imam Sadiq University (AS) [in Persian].

